

بررسی محورهای همکاری میان بنیاد فرهنگی رضوی و حوزه علمیه قم در حوزه تربیت اسلامی

در جلسه آشنایی و هم‌اندیشی کارشناسان طرح و برنامه آستان قدس رضوی با مسئولان ستادهای راهبری حوزه علمیه قم، نیازها و امکانات بنیاد فرهنگی رضوی و ظرفیت‌های حوزه علمیه در راستای کمک به مدارس امام رضا(ع) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به گزارش آستان‌نیوز، در ابتدای این جلسه که با حضور حجت‌الاسلام سلیمانی معاون تربیت‌بدنی و پرورشی بنیاد فرهنگی رضوی، دکتر زرقانی مسئول طرح و برنامه بنیاد فرهنگی رضوی و حجت‌الاسلام عطاریانی معاون پرورشی دبیرستان واحد ۱۴ به نمایندگی از آستان قدس رضوی و همچنین حجج اسلام عقدکی دبیر ستاد تحول در آموزش و پرورش، دبلم دبیر ستاد مدارس مسجدمحور و نیز عباسی دبیر ستاد مشاور و ویران‌شناسی اسلامی به نمایندگی از حوزه علمیه قم تشکیل شد، ستادهای راهبری حوزه شامل مدارس مسجدمحور، روان‌شناسی اسلامی و تحول آموزش و پرورش معرفی شدند.

حجت‌الاسلام سلیمانی، معاون تربیت‌بدنی و پرورشی بنیاد فرهنگی رضوی در ابتدای این نشست با معرفی مختصر مدارس امام رضا(ع) گفت: مدارس امام رضا(ع) با ۶ هزار و ۵۰۰ دانش آموز در مقاطع مختلف تحصیلی، از پیش دبستانی تا دوره دوم متوسطه در قالب ۱۵ واحد آموزشی دختر و پسر با کمک ۸۰۰ نفر همکار در حال فعالیت است.

وی چهار سرفصل محوری فعالیت مدارس امام رضا(ع) را برشمرد و افزود: چهار سرفصل اصلی فعالیت‌های معاونت پرورشی، مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اسناد بالادستی آستان قدس رضوی شامل «مدرسه اسلامی» با محوریت قرآن، عترت و آداب اسلامی، «مدرسه پویا» با محور سه ضلع تعلیم و تربیت شامل تقویت نشاط، شادابی و مشارکت‌طلبی، «مدرسه هویت‌ساز» با موضوع تعریف هویت جنسی، انقلابی و اجتماعی و نیز «مدرسه تحول آفرین» با هدف الگوسازی از طرح‌های ویژه سند تحول برای بهره‌برداری در بوم هر واحد آموزشی، تعریف شده که مبنای طراحی و اجرای برنامه‌های متنوع مناسبتی و تربیتی مدارس در طول سال قرار می‌گیرد. حجت‌الاسلام سلیمانی در ادامه با اشاره به گوشه‌ای از عملکرد حوزه آموزشی، مرکز مشاوره تحصیلی و تربیتی بنیاد فرهنگی رضوی، گفت: کانال دورتاب نیز ویژه هدایت و راهبری دانش آموزان برای موفقیت در آزمون سراسری طراحی شده است. وی در ادامه به یکی از نیازهای مورد توجه در مدارس امام رضا(ع) اشاره کرد و افزود: با توجه به اینکه جمعیتی از دانش آموزان ما در طول ۱۲ سال تحصیل ارشد سید معصومه همراه هستند، نیازمند برنامه‌ای منسجم و مطالعاتی برای سیر مواجهه و تربیت اصولی و نه سلیقه‌ای دانش آموز با مفاهیم و مکتب اسلامی هستیم.

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی تشریح کرد باغ خاتون؛ جایی برای تجربه‌های معنوی و نشاط آفرین

مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی در راستای غنابخشی به اوقات فراغت خانواده‌ها، نوجوانان و کودکان، با ایجاد اردوگاه باغ خاتون تدارک گسترده‌ای را در حوزه بازی و سرگرمی فراهم آورده است. ساخت «پارک هیجانی» و «مزرعه مهارت» از جمله اقدامات این مجموعه است که روزانه افراد زیادی از این خدمات بهره‌مندمی شوند.

به گزارش آستان‌نیوز، فاطمه دژبدر، مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی می‌گوید: «پارک هیجانی» از حدود یک سال پیش در باغ اردوگاه خاتون راه‌اندازی شده و فضای مناسبی را برای تفریح و سرگرمی نوجوانان فراهم کرده است. این پارک ویژه نوجوانان نُه تا هجده ساله بوده و در طبقه امکاناتی فراهم شده تا نوجوانان بتوانند اوقات پر هیجان و لذت‌بخشی را تجربه کنند.

■ سرگرمی‌های خلاقانه

دژبدر می‌افزاید: سازه‌های ویژه و متنوع این پارک امکان تفریح و سرگرمی خلاقانه را برای نوجوانان فراهم می‌کنند. وی با اشاره به امکانات موجود در این پارک می‌گوید: والیبال غول پیکر که امکان بازی با توپ بزرگ گروهی برای مخاطبان فراهم می‌شود، نمونه‌ای از این مجموعه بازی هاست. از سوی دیگر دوچرخه‌سواری و درشکه‌سواری نیز در این پارک تعبیه شده که مورد استفاده مخاطبان قرار می‌گیرد. از دیگر بازی‌های این پارک می‌توان به دارت، تنگن بادی، تیر و کمان، پرتاب حلقه و بازی‌های گروهی، حرکتی و تمرکزی در تالار نوآوری باغ اردوگاه خاتون اشاره کرد.

دژبدر می‌افزاید: روزانه بسیاری از اردوهای مدارس، اردوهای خانوادگی و اردوی زوجین در این پارک خاطراتی خوش و به یادماندنی برای افراد رقم می‌زند.

■ «مزرعه مهارت»؛ جایی برای سرگرمی و مهارت

دیگر فضای تخصصی در حوزه سرگرمی و آموزش در باغ خاتون «مزرعه مهارت» است که فضایی برای یادگیری و تجربه‌اندوزی فراهم کرده است. کودکان می‌توانند به صورت اردویی و با همراهی مدارس از آن بازدید کرده و مهارت‌های عملی خود را تقویت کنند.

به گفته مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی این مزرعه فضایی مناسب برای آموزش و مهارت‌آموزی کودکان فراهم کرده است. در این مزرعه، کودکان می‌توانند نان ببزدند، گل و گیاه بکارند و با نگهداری و مشاهده حیواناتی مانند مرغ و خروس با محیط زیست و کشاورزی آشنا شوند.

وی تصریح می‌کند: «مزرعه مهارت» فرصتی فراهم می‌کند تا کودکان مهارت‌های مفید و کاربردی را بیاموزند و از محیط آموزشی-تفریحی بهره‌مند شوند.

مزرعه مهارت و پارک هیجانی در باغ اردوگاه خاتون فعال است و مدارس دخترانه در همه پایانه‌ها و نیز پسرانه در مقطع دبستان می‌توانند با رزرو قبلی و تماس با شماره ۰۹۰۳۵۵۳۸۰۹۷ دانش آموزان خود را برای حضور در این محیط مهارت‌آموز آماده کنند.

همزمان با روز دانشجو، آیین دفاع پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دارالقرآن حرم مطهر رضوی برگزار شد

پناه امام، روشنای راه



دفاع در این مجموعه را ارائه کنند. یک انجمن علمی برای بررسی محتوایی تشکیل می‌شود و در صورت تأیید، دانشجوی به دارالقرآن معرفی خواهد شد».

او با اشاره به ظرفیت‌های معنوی مدرسه دودر می‌افزاید: «نزدیکی این فضا به مضعج نورانی امام رضا(ع) معنویت جلسه را دوچندان می‌کند و همه دانشجویان از این حضور بهره می‌برند. تا امروز هم دانشجویانی که اینجا دفاع کرده‌اند، با نمرات عالی پذیرفته شده‌اند و این را نشانه برکت مجلس می‌دانیم».

■ پژوهشی در پناه امام

به سراغ چهره اصلی آیین دفاع، یعنی سیده معصومه صنعتی می‌روم که با شوق، خستگی سال‌های تحصیل و لیخندهای آرام بعد از اعلام نمره، تصویر اصلی قاب می‌شود. سیده معصومه صنعتی، خادم حرم مطهر، سخنران مذهبی، پژوهشگر نسخه‌های خطی و از نخستین ورودی‌های زن به دانشگاه علوم اسلامی رضوی است. زندگی‌اش از ریاضیات تا علوم حوزوی و از فعالیت رسانه‌ای تا تحقیق در نسخه‌هایی چندصد ساله امتداد دارد و امروز، پایان‌نامه‌اش درباره مقتل امام رضا(ع) در همان جایی دفاع می‌شود که موضوع پژوهش او به آن تعلق دارد. سیده معصومه صنعتی، دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مسیر علمی خود را از رشته ریاضی در دانشگاه فردوسی آغاز کرده و پس از گرفتن لیسانس،

مقدس بازگردد». مقومی بیان می‌کند: نخستین آیین دفاع در ۳۰ مهرماه برگزار شد که مربوط به یک رساله دکترتا در حوزه علوم قرآنی بود. امروز دومین مراسم است که همزمان با روز دانشجو برگزار شد و این تقارن را بسیار مبارک می‌دانیم.

■ «رسم ارادت به زبان علم»، یک حرکت فرهنگی تازه

سرپرست اداره دارالقرآن درباره فلسفه نام‌گذاری این برنامه توضیح می‌دهد: «عنوان این حرکت را رسم ارادت به زبان علم گذاشته‌ایم و باور داریم که علم‌آموزی و پژوهش در کنار مضعج امام رضا(ع) نوعی اظهار ارادت است؛ ارادتی که به زبان تحقیق و پژوهش بیان می‌شود». او تأکید می‌کند این رویدادها مقطعی نیست و قرار است به‌صورت مستمر ادامه یابد. مقومی در ادامه به توسعه این برنامه اشاره می‌کند: «در ابتدا قرار بود فقط رساله‌های دکترتا در این مکان دفاع شود، اما با توجه به اینکه دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه امام رضا(ع) مجموعه‌های منتسب به آستان قدس رضوی هستند، تصمیم بر این شد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد این دو دانشگاه نیز بتوانند در دارالقرآن دفاع شود». به گفته‌او، این امکان برای دانشجویان دیگر دانشگاه‌های استان نیز در نظر گرفته شده است: «هماهنگی‌هایی با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها انجام شده و فراخوان داده می‌شود تا دانشجویان دکترتا از دانشگاه‌های مختلف آزاد، فردوسی و... تقاضای برگزاری

رویداد

ماجرای زائرانی که سال‌ها دلتنگ امام رضا(ع) بودند

از بانویی هشتاد ساله تا مادر فرزندان توان‌یاب؛ روایت‌هایی متفاوت از زیارت اولی‌ها

من فقط نگاه‌می‌کردم و می‌گفتم خدایا شکرِت که رسیدیم. برای این مادر، این سفر چیزی بیش از زیارت بود و به قول خود او در لحظه به لحظه سفر به این فکر می‌کرد که خدا هنوز حواسش به دل ما هست... و می‌گفت: همین یک چیز برای کل عمرم بس است.

■ پایان سفر؛ امیدی که دوباره زنده‌شد

کاروان «مهر درخشان» در روزهای اقامت در مشهد، فقط برنامه ز یارتی نداشت؛ هر روزشان میان صحن و سرای امام رضا(ع)، جلسات فرهنگی، همراهی خادمیاران و رسیدگی ویژه به خانواده‌های دارای شرایط خاص می‌گذشت. برای بسیاری از این زائران، نظم و آرامشی که کاروان فراهم کرده بود، تجربه‌ای کاملاً متفاوت از سفرهای گذشته بود. خامان حرم و نیروهای بنیاد کرامت رضوی، همان ستون پنهانی بودند که سفر را ممکن می‌کردند؛ از انتقال ویلچرها تا همراهی زائران کم‌توان در مسیرهای شلوغ صحن‌ها. حضورشان سبب شده بود خانواده‌ها بار سال‌ها سختی را برای ساعتی هم شده زمین بگذارند و با خیال راحت زیارت کنند.

■ پایان سفر

در پایان سفر، وقتی اتوبوس آماده بازگشت به شاهین‌شهر می‌شد، نگاه‌ها دیگر مثل آغاز مسیر نبود. مادر خانواده هفت‌فهره، چشم‌به‌گنبد که دوخته بود، زیر لب گفت: «ما یک بار دیگر زنده شدیم... همین کافی است». پدر فاطمه، دختر اتیسمی کاروان، آرام از پشت شیشه یک نگاه طولانی انداخت و زمزمه کرد: «همین که دیدیمش، همین که صدایمان را شنیدیم بس است».

سفری به درخشندگی مهر امام رضا(ع) طرح «مهر درخشان» برای این زائران فرقط یک سفر نیست؛ بازگشت امید است. بازگشت باور، بازگشت ارتباطی که شاید سال‌ها میان بیماری، فقر، خستگی و فراموش شدن، رنگ باخته باشد. چهاردهم تابست و پنجم آبان برای این ۴۵ زائر، فصلی کوتاه اما تعیین‌کننده بود؛ فصلی که شاید نامش «سفر» باشد، اما حقیقتش روایت دوباره رسیدن است؛ روایت خانواده‌هایی که سال‌ها دور مانده بودند و حالا با کمک بنیاد کرامت رضوی و خادمان حضرت رضا(ع) دوباره به آغوش حرم برگشتند، با امیدی که سال‌هاست چشم‌پهراش بودند.

شد... هم کمک خادمیاران، هم برنامه‌ریزی کاروان. همه سختی‌های گذشته یادم رفت، خدا را شکر در کنار فرزندان و کمک خادمان، از سفر لذت بردم.

■ اولین غذای حضرتی

مادر از لحظه اعلام دعوت گفت که در دل تک‌تک اعضا، با یک تماس تلفنی خبر دعوت چه‌حال و هوایی ایجاد شد و از لحظه‌ای که خانواده فهمیدند قرار است یک وعده میهمان مهمان‌سرای حرم حضرت باشند حال دلشان پر از هیجان شد؛ مادر روایت می‌کند: نمی‌دانید چه ذوقی کردم، این نعمت بزرگی بود که از بهشت امام رضا(ع) نصیبمان شد.

■ آقا همه روشفا بده...

در روایت‌های مادر از زیارت اول و حرم، صحنه‌ای بود که نمی‌شد از آن گذشت: گریه دختران خانواده، همان وسط زیارت، همان لحظه‌ای که دست‌هایشان به ضریح رسید. صداهای پریده‌بریده‌شان که التماس می‌کردند: «آقا... همه مرخص رو شفا بده... آقا همه رو خوب کن...». جلی تعجب داشت که حتی برای خودشان هم کمتر دعا می‌کردند و دلشان برای دیگر بیماران گرفته بود.

پدر خانواده هم در صحبت کوتاهی که داشت، پس از دعای فرج و شفا ی فرزندان‌ش، فقط یک آرزو داشت: کاش دوباره قسمت شود با همین سهولت، با همین آرامش، بچه‌هایم را ببرم بایپوسی آقا ابا عبد الله(ع).

■ مادر فاطمه؛ اشکی که این بار از ناامیدی نبود

در سمت دیگر کاروان، مادر «فاطمه» دختر پانزده ساله مبتلا به اتیسم حتی پیش از شروع گفت‌وگو هم بغض داشت. هنوز چند جمله نگذشته بود که اشک‌هایش جاری شد: «به خدا خسته شده بودم... خیلی. یک وقت‌هایی فکر می‌کردم من را یادشان رفته...». او از روزی گفت که تماس دعوت به سفر مشهد را دریافت کرد؛ «از شدت گریه نمی‌توانستم حرف بزنم... اشک شوق بود. انگار خدا خودش ایامان کرده بود». اما نقطه اوج روایت‌ش جایی بود که فاطمه به پنجره فولاد رسید.

مادر فاطمه گفت: چسبیده بود به ضریح... گریه، گریه... فقط می‌گفت آقا... من را خوب کن... لطفاً خوبم کن. مادر با دستمالی که مدام خیس می‌شد، ادامه داد: دست از ضریح بر نمی‌داشت. انگار همه حرف‌هایش را همان‌جامی‌گفت.